

مردم‌نگاری معناشناختی از الگوی فرهنگی «آبرو»

معانی، مصادیق و کارکردها

بیوک محمدی*

(تاریخ دریافت: ۹۱/۱۰/۰۲؛ تاریخ تأیید: ۹۲/۰۵/۲۱)

چکیده

شناخت فرهنگ و عناصر فرهنگی از عوامل مهم شناخت رفتارها، ذهنیت‌ها و روابط اجتماعی افراد است. هدف مقاله پیش رو، درک معانی گوناگون یک مفهوم فرهنگی مهم در ایران، «آبرو»، است. این مفهوم به دلیل کاربرد زیاد به کلیشه تبدیل شده و کمتر کسی از معنای دقیق آن آگاه است. با این حال، تأثیر آن در شکل‌دهی رفتارها و روابط اجتماعی افراد در ایران فراوان است؛ از این رو، تحقیق درباره آن ضروری به نظر می‌رسد. در این مقاله معانی مختلف آبرو با استناد به اظهارات مردم و بعضی رفتارها و روابط آنها که با مراجعه به این مفهوم توجیه می‌شود، ارائه شده است. برای این کار از روش تحقیق کیفی، به طور عام، و از مردم‌نگاری معناشناختی، به طور خاص، استفاده شده است. معانی مختلف مفهوم آبرو با مراجعه به کارکرد آن در مصادیق رفتاری، ملاحظه و سازماندهی شده است. در نهایت، سه مقوله اصلی این مفهوم با عناوین زیر به دست آمده‌اند:

الف: مقوله «حفظ آبرو» به معنای رعایت هنجارهای اجتماعی و همگامی با عرف جامعه.

ب: مقوله «کسب آبرو» به معنای کسب اعتبار و حیثیت اجتماعی و گرفتن تأیید و تصویب

اجتماعی.

ج: مقوله «آبرومندی» به معنای داشتن اصول اعتقادی محکم و پایبندی به اخلاقیات قوی

در زندگی.

* دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی buik@ihcs.ac.ir

مردم‌نگاری معناشناختی از الگوی فرهنگی «آبرو» معانی، مصادیق و کارکردها

این مقولات با ارائه مصادیق برگرفته از اظهارات مصاحبه‌شوندگان (اطلاع‌دهندگان) به نمایش گذاشته شده‌اند و هر کدام از معانی با مراجعه به چارچوب‌های نظری در جامعه‌شناسی، مورد بحث قرار گرفته‌اند. در بخش پایانی، در تجزیه و تحلیل یافته‌ها، به سایر استنباط‌های نظری، فرهنگی و اجتماعی مفهوم آبرو در ایران پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: آبرو، هنجارهای اجتماعی، الگوی فرهنگی، فرهنگ و توسعه.

مقدمه

روابط اجتماعی، که نهادها نمودی از آنهاست، موضوع مطالعه جامعه‌شناسی است. منظور از روابط اجتماعی، روش‌های رفتاری و کرداری است که فرد وقتی سایر افراد، موضوع و هدف آن رفتار و کردار قرار می‌گیرند، از خود نشان می‌دهد (Beatie, 1964: 35). رفتارهایی که در جامعه ایران در ارتباط با حفظ و کسب آبرو و آبرومندی از افراد سرمی‌زند و یا افراد خود را ملزم به رعایت آن می‌دانند، با توجه به گستردگی و شدتی که دارند، از چنین مقامی برخوردارند. در همین راستا، طیف وسیعی از رفتارهای نهادی شده با مراجعه به انواع کاربرد آبرو توجیه می‌شود و گستردگی رفتارهایی که با آن عنوان مقبول می‌افتد، بی‌شک از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده روابط اجتماعی و الگوهای فرهنگی غالب است. از این‌رو، مطالعه این رفتارها می‌تواند از بسیاری جهات ما را با آداب، اخلاقیات و ارزش‌های غالب جامعه و چگونگی کنش‌های متقابل اجتماعی در ایران آشنا کند. با چنین نگرشی، به بررسی «آبرو در فرهنگ ایران» می‌پردازیم.

با این وصف، قصد از تحقیق حاضر عبارت است از: مطالعه عمیق معانی آبرو در فرهنگ ایران و نمایش رفتارهایی که افراد با مراجعه به این مفهوم مهم فرهنگی، سازماندهی و توجیه می‌کنند و چگونگی انجام این کار. هدف کلی این طرح نشان دادن این موضوع است که بازتولید رفتارهای خاص از کدام ذهنیت مربوط به مفهوم آبرو نشأت می‌گیرد. وانگهی از بررسی این مفهوم می‌توان استفاده‌هایی کرد که در کل به شناخت فرهنگ و جامعه ایران کمک می‌کند؛ لذا یکی از اهداف دیگر این تحقیق، استنباط نظری است که بتوان به واسطه بصیرت حاصل از این بررسی، بیان کرد. در تجزیه و تحلیل اهمیت آبرو، درباره اهمیت آن با عناوین نظارت اجتماعی، مسائل اجتماعی، خلیقات مردم ایران و رابطه آبرو با توسعه، بحث شده است.

از آنجا که در ایران نگرش‌های مختلفی نسبت به آبرو وجود دارد، و در شرایط مختلف اجتماعی روش‌های متفاوتی جهت حفظ، کسب، ارتقا و اثبات آبرومندی به کار گرفته می‌شود، شناخت این نگرش‌ها، شرایط و روش‌ها ما را با چگونگی روابط اجتماعی، میزان حساسیت افراد در این زمینه فرهنگی و شدت و اهمیت آنها آشنا می‌کند و از وجود بسیاری از هنجارها و توجهات آنها توسط افراد آگاه می‌سازد. از این رو، بررسی آبرو را در سطح کلان می‌توان به عنوان مطالعه‌ای در ارزش‌های حاکم بر جامعه ایران تلقی کرد.

روند تحقیق: در این نوشته ابتدا روش تحقیق خود را به طور اجمال از نظر می‌گذرانیم، سپس سه گرایش غالب را نسبت به آبرو - به منزله زمینه‌های فرهنگی، با عنوان «حفظ آبرو»، «کسب آبرو» و «آبرومندی» - شرح می‌دهیم و هر کدام همراه با شاهد مثال‌هایی از اقوال مصاحبه‌شوندگان و شرایط یا موقعیت اجتماعی که در آنها بروز می‌کنند، با استناد به مشاهدات ارائه می‌شود. آن‌گاه به تجزیه و تحلیل می‌پردازیم و درباره کارکردهای هر کدام از سه بُعد مختلف آبرو در جامعه ایران، تعمق می‌کنیم. در بخش پایانی ارزیابی مطلب ارائه خواهد شد و مطلوب یا نامطلوب بودن بعضی الگوهای رفتاری و ذهنی را که با استناد به آبروداری یا بی‌آبرویی توجیه می‌شوند، در ارتباط با توسعه جامعه از نظر می‌گذرانیم.

عنصر فرهنگی آبرو و ملاحظات روش‌شناختی

آبرو به مثابه عنصر فرهنگی: آبرو در لغت به معانی جاه، اعتبار، عرض، ارج، شرف، ناموس، قدر، اعتبار و مایه سرفرازی آمده است (ر.ک: لغت‌نامه دهخدا و فرهنگ معین، ذیل واژه آبرو). اما وجه تسمیه آن در اذهان عمومی به مناسبت عرق ریختن بر اثر شرمی است که به آدمی از انجام کاری ناشایست دست می‌دهد. به این معنا که اگر از کسی کار خلاف و عمل خطایی سر بزند، سبب سرافکنندگی وی می‌شود و در نتیجه، احساس شرم می‌کند و عرق می‌ریزد. در واقع، با چنین کاری، قدر و منزلت فرد کاهش می‌یابد و یا به اصطلاح آبرویش می‌ریزد. با این وصف می‌توان گفت آبرو و معنای آن و دامنه رفتارهایی که با توجیه آن مفهوم صورت می‌گیرد، بسیار وسیع است. با توجه به اهمیت آبرو در فرهنگ ایران می‌توان آن را بدون شک از عناصر مهم فرهنگی به شمار آورد و مطالعه آن را در این محتوا مناسب دانست.

اگر گفته شود فرهنگ، شیوه زندگی مردم است که شامل الگوهای عرفی، افکار و رفتار می‌شود، ارزش‌ها، نگرش‌ها، باورها، هنجارها و حتی سازمان‌های سیاسی و فعالیت‌های اقتصادی را دربرمی‌گیرد (Kuper & Kuper 1985: 178). با این تعریف، عناصر فرهنگی شامل نمادها (زبانی و غیرزبانی)، ارزش‌ها و باورها و نیز هنجارها و عناصر هویتی می‌شود (Macionis et. al, 1997:64). آبرو، مصداق چنین عنصری است و با معانی مختلفی که دارد و در زیر خواهیم دید، می‌تواند در شکل‌گیری رفتارها نقش مؤثری داشته باشد.

با توجه به این ویژگی‌ها، مفهوم آبرو مثل سایر تصورات و اندیشه‌های فرهنگی (ارزش‌ها و نگرش‌ها) مشخص می‌کند که چه چیزهایی ارزشمند و پسندیده هستند، و مثل قواعد رفتارها (هنجارها) نحوه رفتار افراد را تعیین می‌کند (گیدنز، ۱۳۸۹: ۳۵). در ضمن به‌وضوح می‌توان دید چگونه عنصر فرهنگی آبرو، عمدتاً در سطح نیمه‌خودآگاه قرار دارد. چه بسا کثیری از افراد حاضر باشند به خاطر آبرو از خیلی چیزها بگذرند، اما از تعریف آن عاجزند (و به این دلیل است که در اکثر اوقات مطالعه آبرو با استناد به مصادیق رفتاری استنباط شده است). علاوه بر این، همان‌طور که خواهیم دید، چگونگی تأثیر آبرو در ساختار فکری (اینکه چگونه می‌اندیشند) و ادراکات (اینکه چه برداشتی از دنیای اجتماعی و روابط دارند) کاملاً مشهود است. از این‌رو، آبرو، به عنوان یک عنصر فرهنگی مهم و تأثیرگذار، قابل مطالعه است. برای این منظور روش مناسبی ضروری است که در ادامه به آن پرداخته خواهد شد.

رابطه روش با موضوع: با اینکه در بالا به اهداف و ضرورت تحقیق اشاره شد، این نکات مهم در ضمن توضیح روش تحقیق بهتر آشکار می‌شوند. از آنجا که روش تحقیق کیفی، به طور عام، و مردم‌نگاری معناشناختی، به طور خاص، با این قبیل تحقیقات سنخیت بیشتری دارد، در تحقیق حاضر از این روش استفاده شده است.

مردم‌نگاری معناشناختی: در این بررسی از گونه خاصی از روش تحقیق کیفی که به روش مردم‌نگاری جدید یا مردم‌نگاری معناشناختی^۱ معروف است، استفاده شده است. این روش، نوعی مردم‌نگاری است که فرهنگ را در معنا و محتوای خاص خود توصیف می‌کند. این روش که در ابتدا توسط زبان‌شناسان ابداع شده، مبتنی بر مشاهداتی حاکی از استفاده افراد از

واژه‌ها برای سازماندهی و یا مقوله‌بندی تجارب یا ادراکات آنهاست (Kottak, 1996: 81). هدف از این کار، کشف روش‌های خاصی است که افراد بر اساس آنها، به مقوله‌بندی، کدگذاری و مشخص کردن تجربیات خود می‌پردازند. از این‌رو در این تحقیق، ما خود را مقید به درک معنای دقیق واژگانی می‌دانیم که مصاحبه‌شوندگان به کار می‌گیرند (اسپردلی و مک‌کوردی، ۱۳۸۶: ۱۰۵).

همچنین، در مطالعه آبرو، این روش بسیار مؤثر می‌افتد؛ چون از طرفی، افراد از اکثر هنجارهایی که خود از آنها تبعیت می‌کنند، بی‌خبرند، زیرا این هنجارها تا حد زیادی از ناخودآگاه یا نیمه‌خودآگاه نشأت می‌گیرد و از طرف دیگر، معمولاً در مصاحبه از ارائه شاهد مثال‌هایی که مبتنی بر تجربیات شخصی آنها باشد، احتراز می‌کنند. نکته آخر اینکه، برای گردآوری اطلاعات در این زمینه می‌توان به ضرب‌المثل‌ها، سخنان حکیمانه و حکایات مثال‌گونه و داستان‌های عبرت‌آمیز استناد کرد. در تحقیقات مربوط به زمینه‌های فرهنگی، استفاده از چنین منابعی نه تنها معمول است، بلکه توصیه می‌شود.

وانگهی باید در نظر داشت که تحقیق با استفاده از روش کیفی و نگاه به پدیده‌ها از دید افراد بومی، به معنای پذیرش مفاهیم و مقولات فکری افراد مورد تحقیق نیست، بلکه به منزله درک آنهاست. جنیفر میسون در این باره می‌گوید: «طبق این دید وسیع‌تعبیری و تفسیری [روش کیفی]، نقش محقق آن است که تعابیر عوامانه و روزمره مردم را بفهمد و تعابیر عالمانه‌ای از آنها ارائه دهد و در نهایت به تبیین موضوع بپردازد» (Mason, 1997: 140).

در همین راستا اهمیت زبان در روند شکل‌گیری تعاریف مشترک از واقعیات - که معمولاً در قالب زبان بیان می‌شود- قابل ملاحظه است، زیرا عملاً در این تحقیق، درک ما از مفهوم آبرو به میزان متناهی به تعریف زبانی افراد متکی خواهد بود، لذا آبرو به عنوان یک مفهوم فرهنگی، و آن هم به شیوه کیفی و بویژه روش مردم‌نگاری معناشناختی، قابل توجیه است.

گردآوری اطلاعات: همان‌طور که دیدیم، آبرو یک عنصر فرهنگی مهم به شمار می‌رود و به اختصار بیان شد که چرا و چگونه باید آن را به شیوه تحقیق کیفی مطالعه کرد. ما در این قسمت به طور مختصر مراحل انجام پژوهش حاضر را که می‌تواند معیاری برای انجام پژوهش‌های مشابه باشد، شرح خواهیم داد. برای انجام مطالعه کیفی درباره آبرو، ابتدا مصاحبه‌های عمیق با افراد در سطوح مختلف انجام پذیرفت. نمونه‌گیری در این تحقیق، به

صورت مفهومی و ناهمگن صورت گرفت؛ به این معنا که چون دنبال مفهوم یا مفاهیم خاصی بودیم، بلکه سراغ مواردی می‌رویم که بتوانند درباره آبرو به ما اطلاعاتی دهند. ثانیاً برای گردآوری اطلاعات، ابتدا با پرس‌وجو از اطرافیان خود شروع کرده و بتدریج سراغ نمونه‌هایی که جزو مصاحبه‌شوندگان اولیه نبوده‌اند، رفتیم. مثلاً اگر نمونه‌های اولیه که بیشتر از اطرافیان ما بودند، افراد بی‌سواد یا کم‌سواد نبودند، سعی کردیم چنین افرادی را پیدا کنیم و اگر از یک جنسیت نمونه‌های فراوان داشتیم، جنس مخالف دیگر را جستجو کردیم؛ یا اگر افراد مذهبی کمتر در دسترس بودند، آنها را به عمد پیدا می‌کنیم. به این ترتیب، با مصاحبه از همه آنهایی که ممکن است در صورت نبودشان در نمونه، اطلاعات یکجانبه شوند، نمونه‌گیری ناهمگن می‌شود. این کار تا موقعی که اطلاعات به درجه اشباع برسند، یعنی افزایش نمونه‌ها در ساختار اطلاعات تغییری ایجاد نکند، ادامه می‌یابد. در عمل مشاهده شد که اطلاعات پس از ۴۰ فقره مصاحبه به حد اشباع می‌رسند، اما برای اطمینان از قابلیت اعتبار و اعتماد داده‌ها، تعداد مصاحبه‌ها را ضمن در نظر گرفتن اصل ناهمگن بودن تا دو برابر نیز افزایش دادیم.

جایگاه آبرو در فرهنگ ایران

پس از مقوله‌بندی و تجزیه و تحلیل داده‌ها در مراحل مختلف گردآوری اطلاعات، ابتدا متوجه شدیم که آبرو به علت تداخل معانی مختلفش، می‌تواند برای افراد مختلف، مفهوم خاص و متفاوتی داشته باشد. بنابراین، آبرو در فرهنگ ایران یک معنا یا کاربرد خاص ندارد. مثلاً برای عده‌ای معنای قدر و اعتبار مهم‌تر است و برای عده‌ای جنبه عرض و ناموس ارجحیت دارد. اما به هر حال، به نظر می‌رسد آبرو و آبروداری به‌نحوی برای آحاد جامعه ایران اهمیت دارد. با استفاده از روش تحقیق یادشده و تجزیه و تحلیل معنایی واژه آبرو در اذهان متوجه شدیم که آبرو در فرهنگ ایران دارای سه کارکرد متفاوت با سه گرایش همخوان است که آنها را به شرح زیر می‌توان مقوله‌بندی کرد:

۱. استنباط رعایت هنجارهای اجتماعی یا همنوایی اجتماعی که معمولاً در واژه «حفظ

آبرو» یا «آبروداری» بیان می‌شود.

۲. استنباط دریافت تأیید و تصویب اجتماعی و ارتقای منزلت در اجتماع که معمولاً در واژه «کسب آبرو» بیان می‌شود.

۳. استنباط پایبندی به اصول اخلاقی و داشتن اعتقادات راسخ و ارزش‌های اصولی که معمولاً در واژه «آبرومندی» بیان می‌شود.

هر کدام از مقولات مذکور جداگانه بررسی می‌شود؛ اما قبل از آن یک یادآوری ضروری است؛ ممکن است گفته شود مفهوم آبرو از نظر معنایی یک کارکرد بیشتر ندارد. اگرچه از نظر زبانی کسب آبرو می‌تواند روندی برای حفظ آبرو به شمار رود و آبرومندی می‌تواند برای کسی که در راه حفظ و کسب آبرو تلاش می‌کند، به عنوان یک صفت به کار رود. در عمل، همان‌طور که از مصادیق برمی‌آید، آبرو با سه معنای کاملاً متفاوت به کار می‌رود. با استفاده از روش مردم‌نگاری معناشناختی معانی و کارکردهای زیر را می‌توان برای آبرو قائل شد.

وانگهی واضح است هر کدام از معانی و مصادیق چندین بار در مصاحبه‌ها تکرار یا عنوان شده‌اند، اما در اینجا فقط یک بار ارائه شده‌اند و به دلیل عدم ضرورت، فراوانی‌ها عرضه نشده‌اند. با این حال لازم به یادآوری است که تعداد فراوانی مصادیق یادشده درباره «حفظ آبرو» بیشترین و درباره «آبرومندی» کمترین بسامد را داشته است. اینک سه کاربرد اصلی را جداگانه از نظر می‌گذرانیم:

۱- حفظ آبرو (رعایت هنجارهای اجتماعی)

هنجار^۱ به مقررات و معیارهایی که مرز بین رفتارهای قابل قبول و غیرقابل قبول اجتماعی را مشخص می‌کند و افراد در روابط با یکدیگر انتظار رعایت آنها را از یکدیگر دارند، اطلاق می‌شود. به عبارت دیگر، هنجارها راهنمای رفتارهای مناسب در شرایط خاص هستند (Theodorson & Theodorson, 1969: 276).

یکی از موارد کاربرد واژه آبرو در جامعه ایران، معنایی است که در عبارت «حفظ آبرو» بیان می‌شود. این واژه در واقع عبارت است از: رعایت هنجارها با تعریف فوق.

مصادیق: بعضی از مصادیق حفظ آبرو را که توسط افراد در رده‌های مختلف بیان شده‌اند، می‌توان به شرح زیر خلاصه کرد:

- همه می‌دانیم که ضوابط مهم هستند و باید به آنها احترام گذاشت و نباید کارهایی را که از نظر دیگران بد به شمار می‌رود، انجام داد.

- دوست دارم در تابستان شلوار کوتاه بپوشم، اما برای حفظ آبرو این کار را نمی‌کنم.

- در حقیقت حفظ آبرو یعنی هر کس باید ظاهرش را بر حسب عرف جامعه حفظ کند و با هرچه او را از حالت عادی و نرمال خارج می‌کند، مبارزه کند.

- هر کس بخواهد در جامعه زندگی کند، باید خود را هم‌رنگ جامعه کند والا اعتبارش را از دست می‌دهد.

- هر کس در جامعه خودش راه و روش زندگی کردن را می‌داند؛ مثلاً در ایران فرد باید ظاهرش را خوب نگاه دارد.

- فرد باید سعی کند انگشت‌نما نشود؛ مثلاً زنی که از بر باد رفتن نجابت و آبروی خود نترسد، دوچرخه‌سواری می‌کند، در خیابان سیگار می‌کشد و یا لباس نامناسب در ملاء عام تن می‌کند.

- فرد باحیا و باآبرو رسم و رسوم را رعایت می‌کند، زیرا فقط آبروست که مثل سدی جلوی آدم را می‌گیرد.

- باید تمام ریزه‌کاری‌های مسائل زندگی را رعایت کرد و به خاطر سپرد که آبرو به معنای رعایت رفتارها و معیارهای مورد پسند جامعه است.

در ضمن لازم به یادآوری است که «آبروداری» ممکن است کارکرد دیگری هم داشته باشد؛ مثلاً شخصی که از او رفتارهای مخالف عرف سر زده، خود را ملزم می‌داند برای «حفظ آبروی دیگران یا خودش» از خود دفاع کند. این مقوله با حفظ آبرو تداخل دارد. به عبارت دیگر، آبروداری تلاشی برای حفظ آبروست. از این رو، می‌توان آبروداری را شکل دیگری در معنای حفظ آبرو به شمار آورد. در آبروداری صحبت از دفاع از آبرو و تلاش برای حفظ خصوصیتی است که قبلاً داشته است. برخی از مصادیق آبروداری عبارتند از:

- اگر می‌دانی فلانی آن کار بد را انجام داده، لازم نیست به کسی بازگو کنی؛ در اینجا آبروداری لازم است.

- آدم نباید آبروی کسی را ببرد، اگر از کسی خطایی سر زد، آن را ببوشان. حتی اگر از فرزند یا همسرت خطایی سر زد، طوری رفتار کن که نگذاری آبرویت برود؛ شأن خانواده را حفظ کن.

- کسی که عادت بدی دارد، اما در ملاءعام از انجام آن خودداری می‌کند، به نوعی آبروداری می‌کند.

- آدم نباید همه رزه‌هایش را به همه بگوید و یا برملا کند. به عنوان مثال، فقر یا بسیاری از گرفتاری‌های دیگر را نباید آشکار کرد.

- آبروداری به نوعی روی خود را با سیلی سرخ نگاه داشتن هم هست.

همان‌طور که از تعریف هنجار و از شاهد مثال‌های مذکور برمی‌آید، آبرو در این کاربرد خاص، زمینه‌ای فرهنگی است که به روابط اجتماعی ثبات می‌بخشد و در این حالت هنجارها بیشتر شامل عرف جامعه است. یادآوری این نکته از این نظر حائز اهمیت است که هنجار، تعریفی بسیار وسیع دارد و حتی ممکن است در نگاهی جامع‌تر سایر کاربردهای آبرو را هم در بر گیرد. کاربردی که به آن اشاره شد، فقط به نوع خاصی اطلاق می‌شود که کمابیش عرف جامعه (آداب و رسوم) از آن استنباط می‌شود. در این نگرش یکی از پیامدهای عمده رعایت عرف جامعه، تنظیم رفتارهاست که به نظارت اجتماعی غیررسمی منجر می‌شود و در ادامه به آن خواهیم پرداخت. پس باید به خاطر سپرد که این امر فقط شامل مواردی نیست که افراد در مصاحبه به آنها اشاره کرده‌اند، بلکه مراد رعایت عرف و همنوایی اجتماعی^۱ در همه موقعیت‌هایی است که هنجاری درباره درست یا غلط بودن و یا مطلوب یا نامطلوب بودن رفتاری وجود دارد. طرز استفاده از حفظ آبرو و آبروداری، هر دو، در رعایت هنجارها و همنوایی با عرف‌های جامعه به کار گرفته می‌شود.

تمام شرایطی که افراد رفتارهای خود را با هنجارهای رایج یا عرف جامعه مطابقت می‌دهند تا مورد مواخذه، تمسخر، طرد و سایر پیامدهای نامطلوب آن قرار نگیرند، می‌توانند مصادیقی از حفظ آبرو و آبروداری به شمار روند. این شرایط طیف وسیعی از موقعیت‌های اجتماعی را دربر می‌گیرد و برآستی در تمام شرایط اجتماعی که افراد در آن به کنش و واکنش می‌پردازند،

1. Conformity

هنجار یا هنجارهایی حاکم است. این هنجارها آن‌قدر در روح و وجدان افراد رسوخ کرده‌اند که چه بسا از وجود آنها بی‌خبر باشند، نظیر بی‌خبری ماهی از وجود آب در دریا (Linton, 1945) و حتی در مواردی هم که تنها و در خلوت به سر می‌برند، آنها را رعایت می‌کنند - مثل کسی که ممکن است در شرایطی قرار گیرد که بتواند کار خلافی انجام دهد اما به خاطر حفظ آبرو مرتکب آن نشود، حتی وقتی کسی او را نمی‌بیند.

با اینکه افراد در مصاحبه‌ها اغلب به بعضی هنجارها مانند پوشش در ملا عام، بیشتر اشاره کردند، مسلم است که آبرو طیف بمراتب وسیع‌تری را دربر می‌گیرد؛ از جمله رعایت آداب و رسوم در موقعیت‌های مختلف اجتماعی اعم از غذا خوردن، کار کردن، احوالپرسی، برخورد با اطرافیان آشنا، برخورد با ناآشنایان، رفتار در میهمانی‌ها و سایر مجامع. دامنه این قبیل شرایط بقدری وسعت دارد که برشمردن فهرست تمام آنها تقریباً ناممکن است. بنابراین می‌توان با اطمینان بیان کرد که افراد در هر شرایط اجتماعی و در درون همه نهادها مستلزم رعایت هنجارهایی هستند که روال معمول زندگی را امکان‌پذیر می‌کند.

اینکه ایرانی‌ها عرف جامعه خود را محترم می‌شمارند و این امر سبب نظارت اجتماعی و شکل دادن رفتارها می‌شود، با سایر ملل فرقی ندارد. اما اگر بخواهیم بین جوامع تفاوت قائل شویم، باید آن را مربوط به نوع، شدت، ضعف هنجارها و پیامدهایشان (پاداش و تنبیه) بدانیم. در اینجا است که گفته می‌شود ایرانی‌ها در مقایسه با سایر ملل (مثلاً مردم جوامع صنعتی) شاخص‌های متفاوتی نسبت به حفظ آبرو دارند و اهمیت بیشتری به آن می‌دهند و نظارت بر رفتارها با سخت‌گیری و دقت زیادتری صورت می‌گیرد. همان‌طور که حسن نراقی تأکید کرده است، موارد بسیاری، از چیدمان دکوراسیون خانه گرفته تا شیوه مهمان‌نوازی، برای حفظ ظاهر و لذا برای حفظ آبرو هستند (نراقی، ۱۳۸۵: ۴۶). به عبارت دیگر، در جامعه ایران آداب و رسوم بر دوش مردم سنگینی بیشتری دارد تا جوامع صنعتی غرب. همین امر علاوه بر تنوع هنجارها، منشأ تفاوت‌های بسیار دیگری نیز می‌شود. مثلاً وقتی ایرانی‌ها متوجه می‌شوند واژه حفظ آبرو در زبان انگلیسی ترجمه دقیق ندارد و از عبارت شبه معادل آن به زبان انگلیسی^۱ معانی مورد تأکید در زبان فارسی، مستفاد نمی‌شود، بسیار تعجب می‌کنند. اغلب نیز سوءتفاهمی

1. Face Saving

رخ می‌دهد؛ مانند مواردی که بعضی‌ها تصور می‌کنند در کشورهای انگلیسی‌زبان مثل امریکا، مردم یا آبرو ندارند یا اصلاً آبرو برایشان مهم نیست. به هر حال، صرف‌نظر از علل این پدیده، قدر مسلم این است که برای ایرانی‌ها، در مقایسه با ملل جوامع غربی، تبعیت از هنجارها (آداب و رسوم و عرف‌ها) در جامعه‌شان از اهمیت بسزایی برخوردار است.

۲. کسب آبرو (گرفتن تأیید و تصویب اجتماعی)

نیاز به مقبولیت اجتماعی، جلب توجه و اخذ تأیید و تصویب اطرافیان که به انگیزه تأیید اجتماعی مشهور است، از مهم‌ترین و قوی‌ترین نیازهای روانی انسان‌ها به شمار می‌رود. آدمی پیوسته سعی می‌کند توجه دیگران را جلب کند، ابراز وجود کند و مورد تحسین قرار گیرد. این نیاز انگیزه‌ای چنان قوی ایجاد می‌کند که فرد برای کسب آن زحمات زیادی متحمل می‌شود و هزینه بالایی می‌پردازد و تا آنجا که بررسی‌های روانشناختی نشان می‌دهد، این یک نیاز جهان‌شمول است و در همه فرهنگ‌ها حضور دارد.

یکی دیگر از کارکردهای مهم مفهوم آبرو - که غالباً با عنوان کسب آبرو بیان می‌شود - نشانگر تلاش فرد برای تأیید و تصویب اجتماعی است. با توجه به مصادیقی که در زیر آمده‌اند، در این نگرش، کسب آبرو، گرفتن تأیید اطرافیان، مقبولیت اجتماعی و محبوب بودن مطرح است.

- مصادیقی: پاره‌ای از اظهارات مصاحبه‌شوندگان بخشی از این مصادیق را تشکیل می‌دهد.
- قبل از هر چیز باید به خاطر سپرد که آبرو آرایش زندگی است و آبرودار مورد تأیید است.
- مثلاً آدم پولدار با آبروست و بی‌پولی مساوی بی‌آبرویی است. وقتی مردم در امر خیری شرکت می‌کنند و یا حتی به دروغ به سایرین می‌گویند دامادشان مهندس است و ... می‌خواهند کسب آبرو کنند.
- باید برای کسب آبرو ارزش‌های اجتماعی را قبول کرد و به کار بست تا بتوان در جامعه جلوه کرد.
- کسی آبرودار است که بتواند بگوید من فلان کار را کردم. مردم‌داری مساوی کسب آبروست.

- برای پذیرایی از مهمان حتی باید قرض کرد.

- همچنین کسی آبرودار است که خویشتنداری کند، به هر قیمت شده باید بکوشد به غرورش لطمه نخورد.

- مثلاً آدم اگر گرسنه هم باشد، باید در مهمانی کم غذا بخورد تا آبرویش نرود. هرکس مورد پذیرش جامعه قرار گرفته، کسب آبرو کرده است.

- باید بخشنده بود. اگر بدهی تا مردم بخورند، آبرویت بیشتر می‌شود. کسی که ثروتی ندارد و نمی‌تواند چیزی به کسی بدهد، چه آبرویی دارد؟

- آبرو منشأ اعتبار و اقتدار اجتماعی است. بچه‌ها را به مدرسه غیرانتفاعی بفرست، حتی برای چشم و هم‌چشمی هم که شده، در جامعه محترم‌تر می‌شوی.

- بین مردم برای کسب آبرو چه کارها که نمی‌کنند؛ خرج عروسی هنگفت، مهریه زیاد، مجلس ترحیم پرخرج و ...

- همه چیز به خاطر این است که از حیثیت آدم کاسته نشود. خیلی کارهاست که مردم به‌رغم میل باطنی خود انجام می‌دهند؛ زیرا می‌خواهند سطح اعتبار خود را بالا نگهدارند تا کسب آبرو کنند.

افراد برای بیان کسب آبرو از واژگانی چون ارزش اجتماعی داشتن، کسب اعتبار، غرور، پرستیژ و ارج و قیمت استفاده می‌کنند و آن چیزی است که اغلب (بنا به اظهار مصاحبه‌شوندگان) از طریق بخشش، داشتن ثروت و مقام و موقعیت اجتماعی به دست می‌آید؛ لذا با حفظ آبرو که اغلب با عباراتی چون رعایت آداب و رسوم، احترام به ضوابط، محترم شمردن قوانین و حریم خود را حفظ کردن بیان می‌شود، متفاوت است و به‌رغم تداخل‌های اجتناب‌ناپذیر، دو مقوله جداگانه به شمار می‌روند.

در نگرشی که روابط اجتماعی را در چگونگی کسب آبرو بیان می‌کند، موقعیت‌هایی که می‌تواند نشانه آن به‌شمار رود، ممکن است شامل همه شرایطی باشد که در آنها فرد به نحوی سعی می‌کند به چیزهای (مادی و غیرمادی) که از نظر فرهنگی با ارزش به‌شمار می‌روند، دست یابد. در این محتوا آبروداری چیزی در حد نمایش قدرت و احساس برتری در روابط اجتماعی است. مسلماً شرایط اجتماعی که رعایت اصول و انطباق رفتار با انتظارات اطرافیان در آنها به کسب تأیید و تصویب اطرافیان منتهی می‌شود، شامل طیف وسیعی از موقعیت‌هاست، اما اغلب

در مواردی که اکثر مردم به آن اشاره می‌کنند، یعنی مهمان‌نوازی، پذیرایی، بخشندگی، نیکی کردن، هدیه دادن، انجام کارهای خیر و امثال آن صادق است.

متفکرانی هم که در سایر جوامع - بویژه جوامع ابتدایی تر - به تحقیق پرداخته‌اند، همین پدیده را امری رایج یافته‌اند؛ هرچند در همه آنها واژه آبرو یا همخوان آن مورد استفاده قرار نگرفته باشد. به زعم مردم‌شناسان «تبادل هدیه» یک نهاد فرهنگی است. با اینکه ظاهراً امری اختیاری به نظر می‌رسد، در ضمن پدیده اجتماعی مهمی نیز هست. وانگهی تبادل فقط شامل اشیاء و خدمات نیست، بلکه ادای احترام، پذیرایی، رعایت آداب، اعطای کمک نظامی، در اختیار گذاشتن زنان و کودکان، ترتیب رقص و مهمانی جمعی را نیز دربر می‌گیرد. مثلاً «پتلاچ»^۱ یا برگزاری مهمانی‌های گروهی و قبیله‌ای تظاهر نوعی خصومت است؛ آنجا که بریز و پپاش و بخور و بشکن حد و حصری ندارد. در حقیقت این نوع مهمانی‌دادن‌ها «جنگ ثروت‌ها»ست (برای نمونه ر.ک. Pearson, 1974: 119).

شرایطی که طی آن تلاش جهت کسب آبرو در ایران صورت می‌گیرد، چنین پدیده‌ای را تداعی می‌کند که می‌توان آن را نمایش قدرت و برتری نامید. بسیاری از آن شرایط شناخته شده‌اند؛ مثل مهمانی‌دادن‌ها و پذیرایی‌های مفصل از مهمان که برای اکثر ایرانی‌ها واجد اهمیت بسیار است، تا به این وسیله میزبان در نظر مهمان مهم و بخشنده جلوه کند. تلاش برای پذیرایی پرزرق و برق با هدف حفظ آبرو حد و حدودی ندارد. از قرض کردن برای پذیرایی گرفته تا سعی برای خریدن میوه گرانبه‌تر و رنگین بودن سفره می‌تواند جزئی از ملزومات پذیرایی و آبروداری به شمار رود که در قالب مهمان‌نوازی و حفظ آبرو بیان می‌شود.

بخشندگی نیز به طور عام از همان مقوله است که به اشکال گوناگون صورت می‌گیرد و سبب بالا رفتن پرستیژ و منزلت فرد بخشنده می‌شود. شرایطی چون هدیه دادن، کمک نقدی به اطرافیان، رسیدگی به وضع مالی افراد بی‌بضاعت فامیل و رفع مشکلات آنها، قرض دادن و ... همه نشانه‌ای از دست و دل‌باز بودن و داشتن سعه‌صدر است. همان‌طور که یکی از مصاحبه‌شوندگان اظهار داشت، «آبرو، آرایش زندگی است»، یعنی همان‌طور که زنی با آرایش

کردن زیباتر جلوه می‌کند، فرد با کسب آبرو باشکوه‌تر به نظر می‌رسد. به قول مصرع شعری مشهور به نقل از فردوسی:

فروشنده‌ام هم خریدار جوی فزاید مرا از کرم آبروی

لازم به یادآوری است که بعضی از محققان غربی هم که به نوعی به مفهوم آبرو در فرهنگ ایران پرداخته‌اند، عمدتاً از آن برداشت کسب آبرو داشته‌اند. مثلاً رابرت گراهام می‌گوید ایرانی‌ها خانه‌های بزرگ و اتومبیل‌های گرانبه‌ای می‌خرند تا بتوانند دیگران را تحت تأثیر قرار دهند و پولی را که به این منظور خرج می‌کنند، اتلاف هزینه نمی‌دانند (Graham, 1979: 196). نورمن جاکوبز هم اظهار می‌دارد که در ایران کسب پرستیژ اجتماعی به قول او کسب آبرو مهم‌تر از ملاحظات عقلانی و کاربردی است^۱ (Jacobs, 1966: 272).

مسلماً مهمان‌نوازی و بخشندگی تا حدی سبب رضایت روحی می‌شود و چه بسا با حسن‌نیت و بدون چشم‌داشت صورت گیرد، اما این موضوع با کسب وجهه و اعتبار در انظار منافاتی ندارد. ممکن است عمل بخشندگی بیش از یک کارکرد داشته باشد. مثال‌های دیگری از این قبیل: مهمانی‌دادن‌های فراوان و نیز هدیه‌دادن‌ها، قربانی‌دادن‌ها، خیرات‌دادن‌ها، قرض‌دادن‌ها و امثال آن است.

به نظر می‌رسد رفتارهای مربوط به کسب آبرو بدون انتظار دریافت عوض، یا به اصطلاح بدون چشم‌داشت صورت می‌گیرد و توقع جبران آنها نمی‌رود، اما در عمل یکی از انگیزه‌های تلاش در جهت کسب آبرو، آگاهانه یا ناآگاهانه، عمدتاً برای نمایش قدرت و ایجاد برتری است.

۳. آبرومندی (داشتن اصول اخلاقی محکم و پایبندی به آنها)

اصول اخلاقی که مترداف واژه «پرنسیپ»^۲ در فرانسه است، به معنای امتناع از ارتکاب برخی اعمال به خاطر پایبندی به اعتقادات اخلاقی یا مذهبی است و به جوهر قانون، ضوابط و اصول که باورها و ارزش‌ها بر آنها استوارند، اطلاق می‌شود (Webster, 1976). از خصوصیات اصول، تغییرناپذیر بودن آنهاست؛ مثل محرمات در مذهب که به شرایط زمانی و مکانی وابسته

۱. او آن را Face enhancing می‌نامد.

نیستند. کسی که دارای چنین اصولی است، یا به اصطلاح با پرنسیپ است، قابل اعتماد است و با تغییر شرایط و به خاطر منافع شخصی از آنها عدول نمی‌کند. بسیاری از اصول اخلاقی جهان‌شمول هستند؛ مثل منع قتل نفس، پرهیز از دروغ و خیانت و تجاوز به ناموس دیگران که برخلاف هنجارهای معمول با تغییر اوضاع، دگرگون نمی‌شوند.

در فرهنگ عامه ایران برای بیان اصول اخلاقی و داشتن اعتقادات راسخ از مفهوم آبرو استفاده می‌شود. مثلاً وقتی می‌گویند، «فلانی ذاتاً بی‌آبروست و همه کارهایش کلک و حقه‌بازی است»، یا «فلانی آدمی آبرودار و قابل اعتماد است و حرف و عملش یکی است»، حاکی از این است که آبرومندی به منزله پایبندی به اصول اخلاقی تعبیر شده. این کارکرد آبرو از سایر کارکردهای آن در شکل حفظ آبرو و کسب آبرو متمایز است.

مصادیق: حال بعضی از مصادیقی را که مصاحبه‌شوندگان اظهار داشته‌اند و از آنها معنای سوم آبرو، یعنی اصول اخلاقی استنباط می‌شود، از نظر می‌گذرانیم. یادآوری می‌شود که در نقل‌قول‌های زیر بعضی واژه‌ها به طور دقیق به کار نرفته، این به دلیل عدم آشنایی مصاحبه‌شوندگان عامی با معانی آنهاست. مهم این است که آبرو در این معنا به اصول اعتقادی راسخ دلالت دارند:

- آبرو یعنی آرمان و صداقت، لذا کسی که دروغ می‌گوید، بی‌آبروترین فرد است.
- آدم باید صادق باشد، ولو به ضررش تمام شود.
- آبرومند کسی است که آرمان‌ها و ایده‌آل‌هایش را حفظ کند و به هر ذلتی تن ندهد.
- به دیگر سخن، شخصیت فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی، همه معرف آبروی یک فرد است.
- آدم‌های قالتاق و شارلاتان خود را زرنگ می‌دانند، اما از نظر ما آنها بی‌آبرو هستند.
- کسی که آبرو ندارد، براحتی دزدی می‌کند و دروغ می‌گوید.
- کارهای بی‌شرمانه‌ای چون دزدی و قتل نفس به خاطر پول، نهایت بی‌آبرویی است.
- آبرو یعنی درستی و صداقت، کسی که صداقت ندارد، فاقد همه چیز است.
- انسان بی‌ارزش فقط به خودش فکر می‌کند و به فکر مادیات است.
- متقلبان بی‌آبروترین افرادند. از این‌رو می‌توان گفت فرد آبرودار، فردی قابل اعتماد، متعهد و پایبند به اصول است.

- باید در مقابل مشکلات زندگی صبور بود و زیر بار هر مسئله‌ای نرفت. چیزی که بسیار هم کمیاب است.

کارکرد مهم دیگر آبرو که متفاوت‌تر از حفظ و کسب آبروست و شاید بتوان آن را با واژه آبرومندی خلاصه کرد، این است که معرف اصول اخلاقی جامعه است. آنجا که ارزش‌های اساسی افراد مطرح می‌شود و داشتن اعتقادات راسخ به نحوی با هویت فرد در جامعه مرتبط است و مسائل مهمی چون مسائل ناموسی و انسانی مطرح می‌شود، از این مقوله است. بنابراین بیان اصول اخلاقی جامعه در قالب آبرو را یکی از مهم‌ترین کارکردهای آن می‌دانیم. شرایطی که سبب زیر پا نهادن اصول می‌شود مثل: تقلب، سوءاستفاده از اعتماد سایرین، هتک حرمت ناموس دیگران، تجاوز به حقوق افراد، احتراز از دفاع از خویشان و خانه و خانواده در صورتی که تجاوز علنی باشد و موقعیت‌های مشابه، سبب بی‌آبرویی می‌شود و با افت حیثیت و اعتبار فرد همراه است.

در چنین شرایطی، تلاش برای دفاع از آبرو، حراست از آن و افتخار به آن، دیگر رعایت هنجارهای روزمره یا تلاشی برای نمایش قدرت نیست. در این حوزه آبرومندی ممکن است به ضرر فرد نیز تمام شود. اقدامات فرد و رفتارهایی که مثلاً برای محافظت ناموس و خوشنامی در ارتباط با امور ناموسی انجام می‌شود، با اینکه ممکن است به اعتبار فرد در جامعه بیفزاید، مثل موارد کسب آبرو حسابگرانه و سودجویانه نیست، بلکه هدف، حراست از اصولی است که به شخصیت فرد، استحکام و تمامیت می‌بخشد و در غیر این صورت موجب تزلزل آن می‌شود.

آبرو در این محتوا در جامعه ایران مترادف با «باوجدان بودن» است. فرد بی‌آبرو همان بی‌وجدانی است که هیچ اصلی برایش مهم نیست و برای نفع مادی و از روی بی‌غیرتی ممکن است به هر کار پلیدی دست زند. این نکته جالب است ذکر شود که وقتی از افراد خواسته می‌شود فرد آبرومندی را نام ببرند، معمولاً شخصی را نام می‌برند که مصداق معنای اول آبرو، یعنی «حفظ آبرو»، است. اما وقتی از آنها خواسته می‌شود فرد بی‌آبرویی را نام ببرند، معمولاً شخصی را نام می‌برند که مصداق معنای سوم آبرو، یعنی «داشتن اصول اعتقادی راسخ» از آن مستفاد می‌شود؛ مانند فرد بی‌آبرویی که به هیچ اخلاقیاتی پایبند نیست.

البته این به آن معنا نیست که فرد بی‌آبرو در این محتوا، اصلاً به آبرو در قالب سایر معانی‌اش اهمیت نمی‌دهد. فردی که بی‌وجدان است و اصول را زیر پا می‌گذارد، ممکن است به کسب و حتی حفظ آبرو به آن معنا که ذکر شد، اهمیت دهد و به خاطر آنها تلاش کند. همین خود می‌تواند دلیل دیگری بر مجزا بودن مقولات یاد شده و معتبر بودن مقوله‌بندی سه‌گانه آبرو باشد.

اگر بخواهیم مباحث ارائه‌شده تا اینجا را به طور مختصر جمع‌بندی کنیم، باید بگوییم یافته‌های ما نشان داد که مفهوم آبرو دست‌کم در سه زمینه فرهنگی متفاوت، اما مرتبط، به کار گرفته می‌شود. پس وقتی صحبت از بی‌آبرو شدن (یا آبرودار شدن) می‌شود، ممکن است یکی از سه مورد زیر منظور باشد:

۱. فردی که بعضی هنجارها را زیر پا گذاشته و رفتارهای مخالف عرف جامعه را در پیش گرفته است.

۲. فردی که محبوبیت و مقبولیت اجتماعی خود را از دست داده، تا آنجا که مورد تأیید اطرافیان نیست.

۳. فردی که به اصول اخلاقی پایبند نبوده و قابل اعتماد نیست.

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، هر کدام از این مقولات، طیف وسیعی از رفتارهای اجتماعی را دربر می‌گیرد و مجموعه‌ه‌ه‌سه آنها از گستردگی بسیار زیادی برخوردار است. اگر به مشتقات هر کدام از زمینه‌های یاد شده بپردازیم و تنوع رفتارها و شرایطی را که هر کدام در آنها صدق می‌کند در نظر بگیریم، خواهیم دید که آبرو براساسی از جمله مهم‌ترین ابزارهای تنظیم‌کننده رفتارهای اجتماعی است و یکی از جامع‌ترین زمینه‌های فرهنگی قابل بررسی ایران به شمار می‌رود.

شاید به علت همین گستردگی ابعاد رفتارهای توجیه شده تحت عنوان واژه مذکور است که عرضه‌تعریف یا معنای مشخصی از آن برای عامه، اگر نه غیرممکن، دست‌کم بسیار مشکل است. چرا که اصولاً افراد - به‌رغم داشتن اصول و پایبندی به آنها و رعایت آنها در رفتارهایشان - از حضور الگوهای رفتاری و ذهنی به میزان زیادی ناآگاهند و از دادن تعریف یا شناسایی شرایطی که بتوان مصادیق الگوها را شناسایی کرد، ناتوانند (اسپردلی و مک‌کوردی، ۱۳۸۶: ۳۰۳). به‌عنوان مثال، چه بسا افرادی حاضرند به خاطر حفظ آبرو از مال و جان‌شان

بگذرند، اما نمی‌توانند آن را توضیح دهند؛ همان‌طور که مصادیق گفتاری و رفتاری هم این موضوع را نشان می‌دهد. از این‌روست که در توصیف الگوهای رفتاری آبرو از شاهد مثال یا واژگان مترادف استفاده می‌کنند و یا به کلی‌گویی می‌پردازند.

تحلیل مفهومی یافته‌ها بر اساس مفهوم نظارت اجتماعی

نظارت یا کنترل اجتماعی به وسایل و ابزارهای اجتماعی یا فرهنگی‌ای اطلاق می‌شود که بر اثر استفاده نسبتاً مداوم از آنها، محدودیت‌هایی بر رفتارها وارد می‌کند یا به افراد تحمیل می‌شود و در نتیجه آن، افراد به پیروی از الگوهای رفتاری ناشی از عرف و سنن و اجرای اعمالی که موجب کارکرد مطلوب و سهل‌گروه یا جامعه می‌شود، تن داده و خود را با آنها سازش می‌دهند (Theodorson et al., 1989: 389). اهمیت و شدت نوع خاصی از نظارت اجتماعی، به میزان مقبولیت معیارهای رفتارها که به وسیله هنجارها و نقش‌های اجتماعی مشخص می‌شود، بستگی دارد.

با توجه به تعریف فوق می‌توان گفت نظارت اجتماعی یکی از کارکردهای مهم آبرو در جامعه ایران است. از آنجا که تضمین‌های اجرایی^۱ آن اغلب جنبه هنجاری دارند و بیشتر آنها تدوین نشده‌اند، باید آن را از جمله ابزارهای نظارت غیررسمی به شمار آورد. تضمین‌های اجرایی آن در صورتی که واکنش‌ها مثبت باشد، به شکل تأیید و تصویب و تحسین و اگر واکنش‌ها منفی باشد، به صورت سرزنش، تمسخر، یا طرد متجلی می‌شود. حساسیت افراد نسبت به حیثیت اجتماعی خود و اهمیت اعتبار در میان جمع که بر محور آبروداری، یا بی‌آبرویی می‌چرخد، حاکی از تمایل شدید آنها به کسب تحسین و تمجید و مقبولیت اجتماعی و احترازشان از طرد شدن و مورد تمسخر قرار گرفتن است.

نظارت اجتماعی امری جهان‌شمول است. در جوامع ابتدایی این امر کاملاً حالت غیررسمی دارد و هرچه جامعه پیشرفت می‌کند و به سوی صنعتی شدن پیش می‌رود، از شدت تضمین‌های اجرایی غیررسمی کاسته می‌شود و به شکل قوانین مدون یا به اصطلاح نظارت اجتماعی رسمی‌تر درمی‌آید. بدیهی است که نظارت غیررسمی هرگز از بین نمی‌رود و فقط

شدت و ضعف آن تغییر می‌کند (Beattie, 1964: 167). اهمیتی که در ایران به آبرو داده می‌شود - آن هم در ابعاد وسیعی که ذکر آن رفت - دست‌کم نشانه این است که در این جامعه، به‌رغم وجود قوانین مدون و نظام قضایی رسمی، هنوز نظارت اجتماعی به‌طور عمده جنبه غیررسمی دارد. و با توجه به جایگاه ایران در طیف سنتی و یا مدرن در اغلب زمینه‌ها، کشف و درک این مطلب چندان مشکل به نظر نمی‌رسد.

طیف هنجارها: آداب و رسوم، اخلاقیات و ارزش‌ها

از آنجا که فرهنگ شامل عناصری است که چند و چون رفتارها را دیکته می‌کند، گفته می‌شود امری هنجاری است. این به آن معناست که معیارهای اعمال را تعیین می‌کند. هنجار فرهنگی، شکلی را که رفتارها باید به خود بگیرند و انتظاراتی را که از افراد می‌رود و مطلوب انگاشته می‌شود، مشخص می‌کند. در این بررسی مشاهده کردیم آبرو به عنوان طیف وسیعی از هنجارها چنین نقشی را ایفا می‌کند. اما همه هنجارها از اهمیت یکسانی برخوردار نیستند و نیاز به نوعی مقوله‌بندی آنها به تناسب شدت و ضعف یا حتی منشأ ظهورشان احساس می‌شود.

گراهام سامنر (Sumner, 1906) هنجارها را به دو گونه: شیوه‌های مردمی^۱ و رسوم اخلاقی^۲ تقسیم می‌کند. شیوه‌های مردمی به روش‌های عرفی، معمولی و عادات گروهی اطلاق می‌شود؛ مثل دست دادن، غذا خوردن با قاشق و چنگال، پوشیدن لباس مناسب برای مراسم خاص و... . رسوم اخلاقی به باورهای قوی درباره رفتارها و اینکه کدام‌ها مقبول و کدام‌ها مردودند، گفته می‌شود؛ مثل محرمت در زمینه غذا، پوشش و الفاظ. به عبارت دیگر، هنجارها در طیف وسیعی از شدت و ضعف قرار دارند و پاداش‌ها و تنبیه‌های مربوط به هر یک، به همان نسبت واجد شدت و ضعف هستند. تعبیر آبرو از جهاتی شبیه این تقسیم‌بندی سامنر است، آنجا که معانی آن از حفظ آبرو به معنای رعایت آداب صحیح و رفتارهای ساده، مثلاً سر سفره، تا دفاع از ناموس تسری می‌یابد.

1. Folkways

2. Mores

همان‌طور که بوضوح می‌توان دید و بارها گفته شده، انسان‌ها اساساً در جست‌وجوی منافع خود هستند و در رعایت سنن نیز از این اصل پیروی می‌کنند. اما این امر مطلق نیست. در واقع انسان‌ها حسابگرند؛ یعنی سنت‌ها را با در نظر گرفتن نفع شخصی خود رعایت می‌کنند، اما در عین حال عاطفی و غیرحسابگر هم هستند و رفتارهایی که ممکن است الزاماً به نفع آنها نباشد (به صرف باور، عادت، عرف و ...) نیز از آنها سر می‌زند (Beattie, 1964: 139). یادآوری این نکته از این نظر حائز اهمیت است که ما در بررسی آبرو شاهد هر دو جنبه بوده‌ایم که هم شامل اعمال حسابگرانه و هم رفتارهای غیرحسابگرانه می‌شود. بسیاری از رفتارها، به‌ویژه آنهایی که با مراجعه به کسب آبرو توجیه می‌شوند، همان‌طور که دیده شد، تلاشی برای ابراز وجود و کسب قدرت در روابط اجتماعی است. همین‌طور بسیاری دیگر از رفتارها، به‌ویژه آنهایی که با مراجعه به آبروداری یا آبرومندی توجیه می‌شوند، متکی به اعتقادات هستند و غالباً نفع شخصی در آنها دخیل نیست و حتی بعضی از آنها ممکن است از نظر مادی زیان‌آور هم باشند. مقوله سوم از گرایش با عنوان آبرومندی گویای این نکته است که در معنا، نقطه مقابل کسب آبروست. برای نمونه و به قول صائب تبریزی:

دست طمع که پیش کسان می‌کنی دراز پل بسته‌ای که بگذری از آبروی خویش
 بنابراین می‌توان اذعان کرد که آبرو در یک نگرش خاص، بیانی از ارزش‌های جامعه نیز هست. ارزش‌ها جامع‌تر از هنجارها هستند و نشانگر آن چیزهایی هستند که در نهایت، مطلوب یا نامطلوب به شمار می‌روند (Horton, 1984: 63). معمولاً ارزش‌ها نسبت به هنجارها در دایره محدودتری قرار دارند و شناسایی آنها نسبت به هنجارها عملی‌تر است. مثلاً با مراجعه به کارکرد آبرومندی -در نگرش سوم آبرو- می‌توان مشخص کرد که صداقت، حفظ ناموس و نجابت از ارزش‌های مهم در جامعه ایران است. اما چنین خلاصه‌گویی درباره قواعدی که عنوان عرف به خود می‌گیرند، صدق نمی‌کند.

آبرو و مسائل اجتماعی

از آنجا که بخشی از هنجارهای مربوط به آبرو با اخلاقیات و ارزش‌های جامعه سروکار دارد، غور و تفحص درباره آن و وسایلی که برای حفظ و کسب آن به کار گرفته می‌شود، ما را با

خصیصه‌ای دیگر از فرهنگ ایران آشنا می‌سازد و آن فاصله بین ایده‌آل‌ها و واقعیت‌هاست. جامعه‌شناسان این شکاف را به مثابه یکی از معیارهای اصلی مسائل اجتماعی به شمار می‌آورند (Robertson, 1980: 4). از آنجا که جامعه در حال تغییر است، در مواقعی غالب رفتارها به ایده‌آل‌ها نزدیک یا از آن دور می‌شوند. وقتی فاصله و شکاف بین واقعیت و ایده‌آل‌های جامعه عمیق‌تر می‌شود، مسئله یا مسائل اجتماعی ظهور می‌کند. ارزش‌ها و ایده‌آلهایی که آبرو بیانی از آنهاست و اعمالی که با مراجعه به آن توجیه می‌شوند و ابزاری که در این خصوص به کار گرفته می‌شوند، می‌تواند نشانه فاصله موجود بین واقعیت و ایده‌آل‌های اجتماعی در ایران باشد. ایده‌آل‌ها بر محور ارزش‌هایی چون معنویت، علم و دانش، دانایی و خردمندی، مهربانی و مهمان‌نوازی، صداقت و یکرنگی می‌چرخد، در صورتی که در عمل، چشم و هم‌چشمی و پز دادن (در قالب علم دوستی)، سودجویی و نفع‌پرستی (در قالب کسب اعتبار) و ... غلبه دارد.

عرف و اخلاقیات جامعه هرگز به گونه آرمانی به مرحله اجرا در نمی‌آیند و همیشه افراد و گروه‌هایی در اعمال روزانه خود از آنها عدول می‌کنند. میزانی از این عدول قابل تحمل است، اما وقتی انحرافات از حد معینی گذشت، به یک معضل اجتماعی تبدیل می‌شود. مطالعه دقیق آبرو و شناسایی شاخص‌های رفتاری آن می‌تواند از بسیاری جهات ما را به درک مسائل اجتماعی موجود یاری کند. شاید بزرگترین موضوع مورد مطالعه در این رابطه، دوری یا نزدیکی رفتارها به آرمان مربوط به اصول باشد، آنجا که صداقت از اصول اخلاقی بسیار مهم به شمار می‌رود و از آرمان‌های بسیار مهم و محترم جامعه است، اما در عمل عدم صداقت در مقیاسی گسترده برای کسب مادیات و مادی‌گرایی یا ضدا ارزش رواج دارد. می‌توان با بررسی میزان تلاشی که افراد برای کسب عناصر مادی می‌کنند، دوری یا نزدیکی رفتار غالب افراد جامعه را از آرمان‌ها سنجید و به بعضی مسائل اجتماعی پی برد. مطالعه دقیق‌تر آبرو می‌تواند به درک این قبیل مسائل اجتماعی کمک کند.

آبرو و خلیات مردم

در فرهنگ و عناصر فرهنگی، نشانه‌هایی از ویژگی‌هایی عمومی مردم جامعه دیده می‌شود. این امر به اندیشه‌ای قوت بخشیده که «شخصیت ملی» نام گرفته است (Hoenselaars &

Leerssen, 2009: 252). کشف این موضوع باعث فعالیت‌های بسیاری شده است که ادبیات شخصیت ملی نام دارد؛ مانند شخصیت ملی امریکایی‌ها، کانادایی‌ها و انگلیسی‌ها و سایر ملل. با اینکه وجود چنین چیزی مورد نقد قرار گرفته و زیر سؤال رفته، هنوز از محبوبیت خاصی برخوردار است.

مطالعه همه‌جانبه‌ای درباره شخصیت ایرانی، مثل آنچه درباره سایر ملل انجام شده، صورت نگرفته است. اما بسیاری، بویژه محققان غربی، بارها درباره شخصیت ایرانی صحبت کرده‌اند که خود بحثی طولانی و مناقشه‌برانگیز است. از نمونه‌های اولیه که یک متفکر ایرانی در این باره سخن گفته، جمالزاده (۱۳۴۵) در *خلقیات ما ایرانیان* است. به نظر می‌رسد انجام چنین تحقیقی درباره ایران نیز ضروری است. اگر چنین کاری انجام شود، با توجه به بحث‌هایی که در بالا شد، هرگونه مطالعه‌ای درباره آبرو می‌تواند مفید واقع شود. آبرو، مثل بسیاری دیگر از زمینه‌های فرهنگی، این امکان را فراهم می‌کند که با مراجعه به رفتارهایی که بر محور آن صورت می‌گیرد، برای بعضی خلقیات ایرانی‌ها توضیحی پیدا کرد.

به‌عنوان مثال، یکی از ویژگی‌های شخصیتی ایرانی‌ها را در نظر بگیرید. گفته می‌شود ایرانی‌ها اغلب بسیار احساساتی هستند و در کارها به افراط و تفریط می‌پردازند و هرگز اعتدال را رعایت نمی‌کنند. آنها با مراجعه به فشار اجتماعی در راه حراست از آبرو ملزم هستند و سعی می‌کنند از حیثیت خود دفاع کنند و وجهه خود را در انظار از دست ندهند. لذا هم مهربانی و هم عصبانیت ایرانی، گرچه حالت افراطی دارند، در نهایت به دلیل عاطفی بودن و افراطی بودن به یکدیگر مشابهت‌هایی دارند. روت بندیکت در بررسی خود در ژاپن به نتیجه‌گیری مشابهی می‌رسد مبنی بر اینکه تعهدات باید به هر قیمتی انجام شوند. اگر این تعهد مثبت باشد، به صورت اینار و شاید تا حد خودکشی ظهور کند و اگر تعهد برای حفظ حیثیت باشد، در صورت بی‌آبرویی به شکل رفتاری خشن و شاید تا حد خودکشی متبلور می‌شود. اما باید به خاطر داشت که فرق این دو رفتار آن چنان نیست که بتوانیم آنها را به دو عنوان متفاوت «قدردانی» و «انتقام» تقسیم‌بندی کنیم، بلکه برای آنها تعهد در هر حال یکسان است؛ خواه در مقابل نیکی و بخشندگی شخصی صورت گیرد و یا به دلیل واکنش به بی‌احترامی و تنفر باشد (Benedict, 1946:161). ایرانی، چه موقعی که حسابگرانه رفتار می‌کند تا کسب

آبرو کند و حیثیت‌اش را در انتظار ارتقا دهد و چه موقعی که به خاطر آبرو و حفظ حیثیت و ناموس می‌جنگد، از یک اصل پیروی می‌کند و آن اینکه به هر قیمتی باید سربلند باشد و تن به ذلت ندهد.

توضیحاتی از این قبیل ممکن است مورد قبول بعضی‌ها قرار نگیرد، یا حتی با مراجعه به واقعیات رد شوند. اما به هر حال مطالعه هنجارهای اجتماعی، بویژه هنجارهای مربوط به آبرو در گرایش‌های مختلف آن، می‌تواند در راه درک بسیاری از خلیقات مردم که به ظاهر غیرقابل توجیه‌اند و یا متناقض و غیرمنطقی به نظر می‌رسند، روشنگرانه باشد. این امر می‌تواند یکی از مهم‌ترین کارکردهای آبرو در انجام تحقیقات فرهنگی - اجتماعی در ایران باشد.

آبروداری و تعدیل روابط اجتماعی

با توجه به اینکه آبروداری تا چه اندازه برای مردم ارجمند و بی‌آبرویی تا چه حد خفت‌آور است، مطالعه آن، بویژه رعایت آداب و رسوم و تبعیت از عرف جامعه، می‌تواند بیابانگر شدت هم‌نواپی اجتماعی^۱ در ایران باشد. این امر به‌رغم مطلوب یا نامطلوب بودنش، کارکردی دارد که ممکن است در روابط اجتماعی اثر مثبتی داشته باشد. با توجه به اهمیتی که در ایران برای آبرو قائل هستند، رواج ذهنیت «جمع‌گرایی» را بیشتر می‌توان دید. اگر چنین باشد، می‌توان گفت ایرانی‌ها به دلیل مقید بودن به آداب و رسوم، رفتارهای خود را با خواست اطرافیان هماهنگ می‌کنند که این امر حاکی از تعدیل روابط اجتماعی است.

مشخص کردن ابزاری که به خاطر آبروداری یا احتراز از بی‌آبرویی صورت می‌گیرد، از این نظر نیز حائز اهمیت است. زیرا علاوه بر اینکه ما را با بعضی خلیقات افراد آشنا می‌کند، در ضمن برای بعضی رفتارها که برای آنها تاکنون توضیح قانع‌کننده‌ای داده نشده، توضیحی به دست می‌دهد. دیگر بار از قول روت بندیکت مثالی از فرهنگ ژاپن عرضه می‌کنیم: با توجه به اینکه برای ژاپنی‌ها بی‌آبرویی امری بس دهشت‌انگیز است، روش‌هایی را برای احتراز از شرایطی که بدان بینجامد، ابداع و ایجاد کرده‌اند. این روش‌ها شامل تعدیل رقابت، استفاده از واسطه و برتر از همه به‌کارگیری رفتار مودبانه مفصل است. ادب فوق‌العاده یکی از

1. Conformity

خصوصیات سنتی ژاپنی‌هاست. این امر همچنین نشانه‌ای از توجه و حفاظت از حیثیت و اعتبار خود و دیگران به‌شمار می‌رود (Benedict, 1946: 156). در این راستا می‌توان حدس زد که چگونه تعارفات زیاد در ایران، می‌تواند کارکردی مشابه ادب فوق‌العاده ژاپنی‌ها داشته باشد. متفکران گوناگون متذکر شده‌اند ادب و تشریفات مفصل و پرطمطراق ایرانی‌ها خیلی شبیه رفتار ژاپنی‌هاست (برای نمونه ر.ک: کنت دو گوینو، بی‌تاریخ). تشریفاتی که برای حفظ آبرو به کار گرفته می‌شود، بویژه هم‌نوایی اجتماعی و یکسان و هم‌رنگ بودن با مردم، به عنوان الگوهای رفتاری غالب می‌تواند به مثابه وسیله‌ای برای دوری از رویارویی و تعدیل روابط اجتماعی تعبیر و تفسیر شود.

رابطه آبرو و توسعه

از استنباطات اولیه مهم دیگری که می‌توان از مطالعه آبرو در ایران کرد این است که افراد گرایش شدیدی به هم‌نوایی اجتماعی دارند و نسبت به وجهه اجتماعی خود حساسیت زیادی نشان می‌دهند و پیوسته با این اندیشه که در انظار چگونه جلوه می‌کنند، دل‌مشغول هستند. اهمیت فوق‌العاده این امر در روابط اجتماعی حاکی از این است که افراد جامعه به آداب و رسوم، عرف و قواعد و تشریفات آن‌قدر توجه می‌کنند که در این طریق، حتی اصول خود را زیر پا می‌گذارند. این کار حتی در مواردی به نوعی خودآزاری منتهی می‌شود؛ مثل تهیه وسایل پذیرایی از مهمان، دادن عیدی، رفتار مودبانه در جمع و ... در این راستا چه بسا افراد به کارهایی دست می‌زنند که خود مایل به اجرای آنها نیستند، اما دغدغه همیشگی برای حفظ و کسب آبرو اجازه نمی‌دهد فرد از عرف تخطی کند و در رفتار و روابط خود احساس آزادی کند. در نتیجه، آنها بیشتر به تبعیت ناخودآگاه از الگوهای رایج اکتفا می‌کنند؛ الگوهایی که خود از علت وجودی آنها بی‌خبرند. اینجاست که تاکید فراوان بر حیثیت و اعتبار و هر چه زیر عنوان حفظ و کسب آبرو توجیه می‌شود، استعداد نوآوری و خلاقیت را از آنها می‌رباید. فراگیری چنین وضعی باعث کندی توسعه جامعه می‌شود، زیرا نوآوری و ابتکارات شخصی در رفتار افراد از ملزومات پیشرفت است.

شخصیت‌های سلطه‌جو و سلطه‌طلب^۱ برخلاف شخصیت‌های نوآور، به قول اورت هیگن، به جای تکیه بر خویشتن برای رفع مشکلات، خود را از زحمت تصمیم‌گیری می‌رهانند و به رفتارهای سستی که از والدین یا سایر رهبران مقتدر آموخته‌اند، پناه می‌برند و اجازه می‌دهند قضاوت و اراده آنهایی که از آنها قوی‌ترند و «مرجع» به‌شمار می‌روند، بر آنها حکومت کند (Hagen, 1662:97). تبعیت از بعضی هنجارهایی که تحت لوای آبرو اهمیت یافته‌اند می‌تواند چنین تبعاتی داشته باشد. برای نمونه خانواده‌ای که به مناسبتی مهمانی داده بود و ظاهراً همه مفتخر و خوشحال بودند، هر کدام از اعضای آن به طور خصوصی می‌گفتند: با این خرج راضی به این کار نبودند، فقط به خاطر حفظ آبرو و حرف مردم به آن تن دادند. یا دانشجوی ایرانی که در خارج از کشور در رشته مهندسی عمران تحصیل می‌کرد، در صحبت‌های دوستانه خود گفت علاقه واقعی‌اش به رشته تاریخ است، اما به خاطر خواسته دوستان و فامیل رشته‌ای را می‌خواند که به آن علاقه‌ای ندارد. در این زمینه نمونه‌ها فراوان هستند.

همچنین فشاری که هنجارهای نانوشته روی افراد دارند و بسیاری خود را ملزم به رعایت آنها می‌دانند، حاکی از وجود قیود مزاحمی است که جرأت مخالفت با آنها را ندارند؛ بویژه اینکه این قیود با لعاب آبرو، هاله‌ای از تقدس یا نیمه‌تقدس به خود گرفته باشد. وجود سخت‌گیری درباره آنها الزاماً به معنای اخلاقی بودن جامعه نیست. چه بسا افرادی برای حفظ ظاهر، تظاهر به ادب و رعایت آن می‌کنند و وقتی این کار در سطح وسیعی صورت می‌گیرد و به شکل عرفی درمی‌آید، تظاهر امری معمول می‌شود. تعهد به این همه قیود و آداب و رسوم روی دوش آنها سنگینی می‌کند؛ از قبیل تشریفات عزاداری، عروسی، مهمانی و بسیاری از مراسم جزئی دیگر. به این ترتیب، منابع عظیم مادی و معنوی که می‌تواند در راه سازندگی به کار گرفته شود، ناخواسته در راه انجام تشریفات دست و پاگیر صرف می‌شود و افراد به کارهایی دست می‌زنند که خود به انجام آنها راضی نیستند. در هر صورت رابطه‌ای بین افزایش توسعه و کاهش اهمیت به آبرو در جوامع پیشرفته صنعتی دیده می‌شود. در این جوامع اهانت به آبروی کسی دیگر امری وحشتناک به شمار نمی‌رود (برگر و همکارانش، ۱۳۸۱: ۹۰).

1. Authoritarian Personality

جامعه ما هم در حال دگرگونی سریع است و بسیاری از الگوهای رفتاری و هنجارهای قدیمی کارایی خود را از دست داده‌اند؛ اما از آنجا که هنوز جامعه در عمق یک جامعه سنتی است، هنوز از بسیاری سنن مزاحم نبریده. بنابراین، بر اثر فشار آداب و رسوم از یک طرف و نیازهای جامعه مدرن شهری از طرف دیگر، سبب بروز تعارضاتی در افکار و رفتار افراد شده است. آنها به‌رغم پی بردن به جنبه‌های غیرضروری یا حتی مزاحم بعضی قیود، خود را ملزم به پیروی از آنها می‌دانند و در حالی که در مقابل فشار و وسایل نظارت اجتماعی غیررسمی احساس بی‌قدرتی می‌کنند، می‌دانند که برای پیشرفت خود و جامعه باید کارها را ساده‌تر، مراسم را خلاصه‌تر و تشریفات را سهل‌تر و تعهدات را رسمی‌تر و حتی بعضی قیود را حذف کنند. اما در عمل، خواسته و ناخواسته، به اعمالی دست می‌زنند که خود به بیهوده بودن آنها پی برده‌اند. به قول تئودور گیگر^۱، در جوامع در حال گذار، حضور ارزش‌های متفاوت و متضاد در جامعه منجر به ابهام در شخصیت افراد شده و در راه توسعه، مانع ایجاد کرده است. فرد از طرفی به سوی موفقیت و رفاه مادی و از طرف دیگر به سوی احساس آرامش ناشی از پیروی از سنت‌ها کشیده می‌شود. آنها در نهایت به‌رغم عواقب روانی، با این تعارض‌ها می‌سازند و در آن‌واحد در دو دنیای متفاوت زندگی می‌کنند که از اثرات آن تضعیف اعتماد به‌نفس، عدم شوق برای نوآوری و اتکا به قضاوت‌های فردی است. پراکندگی نیروها در جهات مختلف فرعی و غیرمهم سرانجام به قیمت کندی روند توسعه تمام می‌شود (Geiger, 1967: 95).

تظاهر الزاماً دروغ نیست و حفظ ظاهر همیشه ریاکاری به شمار نمی‌رود و فرد متظاهر همیشه به طور عمد صداقت خود را زیرپا نمی‌گذارد، اما وقتی جامعه در حال تغییر است - بویژه وقتی توسعه از اهداف مهم اجتماعی است - انجام آن همه قیود ناممکن می‌شود. در چنین شرایطی بعضی الگوهای رفتاری و ذهنی یا باید ترک شوند و یا تعدیل شوند، اما حضور فشار بر اثر تضمین‌های اجرایی هنجارها چنین اجازه‌ای را نمی‌دهد. لذا افراد سعی می‌کنند دست‌کم ظاهر رفتارهای خود را مطابق عرف عرضه کنند و یا به اصطلاح به حفظ ظاهر پردازند. اینجاست که حفظ ظاهر در سطحی وسیع به صورت «تظاهر جمعی» نمایان می‌شود.

به‌سادگی می‌توان ملاحظه کرد که چگونه افراد به خاطر حفظ و کسب آبرو به درخواست اطرافیان گردن می‌نهند یا قول‌هایی می‌دهند که انجام آن از عهده آنها خارج است و چه بسا بدقول از آب درآیند یا متظاهر و ریاکار جلوه کنند. به‌راستی بهتر است اکثر آنها را افراد خجول به شمار آورد تا متظاهر. زیرا بر اثر فشار قیود، دادن جواب رد برای آنها کاری مشکل است (Foster, 1973: 82).

از آنجا که در فرهنگ ایران، هنجار جاافتاده‌ای وجود دارد مبنی بر اینکه «برای حفظ آبرو هم که شده باید چنین و چنان کرد...»، «دروغ مصلحت‌آمیز» را به «راست فتنه‌انگیز» ترجیح می‌دهند. اما وقتی همین افراد به اروپا و امریکا مسافرت می‌کنند، از سادگی و راحتی در روابط اجتماعی لذت می‌برند (محمدی، ۱۳۸۲: ۷۰). سهولت انجام کارها و نیز انجام آنها به دلخواه و آزادانه و احساس راحتی در روابط اجتماعی به کارایی افراد و سازمان‌ها می‌افزاید که خود مایه پیشرفت و توسعه است.

اهمیت آبرو، بویژه در گرایش مربوط به کسب آبرو که عنوان شد، نوعی نمایش قدرت و تلاش برای ارتقای منزلت اجتماعی است که تصنعی بودن روابط اجتماعی را در ذهن متبادر می‌کند. زیرا بسیاری از افراد که این‌گونه عمل می‌کنند، نوعی عدم صداقت در کار خود احساس می‌کنند؛ در ضمن آگاهند که دیگران نیز چنین می‌کنند.

در واقع، افراد در یک بازی خودنمایی و پزدادن‌های متقابل مشارکت دارند. تصور اینکه هر کس می‌خواهد به نوعی به دیگری فخر بفروشد و موقعیت اجتماعی خود را ارتقا دهد یا تثبیت کند، در سطح وسیعی سبب شک و تردید درباره انگیزه اطرافیانی که در راه کسب آبرو به بخشندگی، کمک، مهمانی دادن و... می‌پردازند، می‌شود. زیر سؤال بردن انگیزه اطرافیان به این‌گونه به ایجاد و گسترش عدم اعتماد در مناسبات اجتماعی ختم می‌شود. مسلماً احساس اعتماد متقابل در جامعه یکی دیگر از پیش‌نیازهای فرهنگی توسعه است که جامعه‌شناسان به اندازه کافی درباره آن سخن رانده‌اند. در ایران، با وضعی که پیش آمده، جامعه در راه توسعه با مانع بزرگ دیگری (عدم اعتماد بین مردم) روبه‌روست.

البته اثرات هنجارهای مربوط به آبرو و آبروداری در ایران الزاماً یکسره منفی نیست، بلکه ممکن است منشأ اثرات مثبتی نیز در راستای توسعه باشد. ذکر یکی دو نمونه می‌تواند تأیید این گفته به شمار رود. داشتن گرایش‌های مادی که در کسب آبرو عنوان شد، به معنایی

می‌تواند نشانه‌ای از قوی بودن انگیزه کسب دستاورد^۱ باشد. وجود این انگیزه در سطح وسیع و قوی که توسط جامعه‌شناسان اصحاب توسعه مثل مک‌لند به عنوان یک پیش‌نیاز اساسی و فرهنگی توسعه تأکید شده است (Maclelland, 1969)، در ایران در سطح وسیعی حضور دارد. تلاشی که در راه کسب آبرو به ویژه با داشتن اموال زرق و برق‌دار می‌شود، می‌تواند موجب رونق اقتصادی و شکوفایی سازمان‌های تجاری مدرن شود. وانگهی ناگفته نماند که حضور این انگیزه در سطح وسیع، نشانه این است که در جامعه ایران گرایش رسیدن به رفاه مادی، قوی‌تر از گرایش عزت‌طلبی و درویش‌مسئلی به معنای ترک دنیایی آن است و لذا می‌توان حضور این گرایش را در ارتباط با توسعه، عاملی مثبت تلقی کرد. موضوع بحث مک‌لند، به‌رغم جالب بودن، مناقشه‌برانگیز هم هست. مک‌لند ایران و ترکیه را مقایسه می‌کند و مدعی است بنا به نظریه او و در تاریخ مورد مطالعه او ترکیه در راه توسعه قرار دارد، اما ایران در این مسیر نیست (به نقل از علی بنو عزیزی 212-223: 1977). بعضی دیگر مثل جاکوبز (273: 1966) معتقدند اهمیت برای آبرو به جامعه ایران کمک می‌کند در راه توسعه قدم بردارد. چرا که با توجه به کسب آبرو، ایرانی‌ها سعی می‌کنند دنبال امور مادی و دنیوی باشند که خود به پیشرفت اقتصادی می‌انجامد.

صرف‌نظر از صحت و سقم این بحث‌ها، لازم به یادآوری است که تحقیق در زمینه عناصر فرهنگی ایران، از جمله آبرو، ضروری به نظر می‌رسد. آن دسته از متخصصان علوم اجتماعی که در زمینه توسعه سخن رانده‌اند، اغلب معتقدند داشتن اصولی کلی یا به عبارتی ارزش‌های اجتماعی عام که در جامعه مقبول باشد و آنها را به عنوان یک ملت و کشور معرفی کند و به آنها هویتی مستحکم ببخشد، برای تحقق توسعه امری ضروری است. با توجه به کارکرد آبرو به عنوان نمایانگر اصول اخلاقی و بیان ارزش‌های اساسی می‌توان عنوان کرد که جامعه ایران از چنین خصوصیتی برخوردار است و به این ترتیب واجد یکی از پیش‌نیازهای مهم فرهنگی برای توسعه است. با اینکه بسیاری از این اصول در قالب‌های متفاوت‌تر از آنچه در غرب رایج است، بیان شده، به نظر می‌رسد جامعه ایران دارای آن اصول محکم و ارزش‌هایی است که به جامعه انسجام و به هویت ملی، یکپارچگی می‌بخشد. کارکرد سوم آبرو که از آن سخن رفت،

1. Motivation Achievement

این پیش‌نیاز توسعه را تا حدی برآورده می‌کند. آنچه در اینجا بحث شد، ممکن است غیرقابل قبول به نظر برسد، اما در هر صورت چنین بحث‌های نظری مهمی وجود دارد که نمی‌توان آنها را نادیده گرفت. البته همه اظهارات فوق، الزاماً آنهايي نیستند که اصحاب توسعه مدنظر دارند، بلکه به معنای همسو بودن و یا غیرهمسو بودن بعضی عناصر فرهنگی ایران با توسعه است. طرح چنین مطالبی می‌تواند اندیشه ارتباط فرهنگ و توسعه را قوت بخشد و ضرورت تحقیقات بیشتری در این زمینه را یادآور شود. مشاهده کردیم که چگونه کارکرد آبرو در ارتباط با روند توسعه ممکن است اثرات منفی و یا مثبت داشته باشد. البته آنچه گفتیم، کلیاتی بیش نیستند، بلکه تنها بخش بسیار کوچکی از ملاحظات است که می‌تواند با مطالعه مفهوم آبرو و نیز سایر مفاهیم مشابه فرهنگی در زمینه توسعه مفید و گویا باشد.

خلاصه و جمع‌بندی

در این مقاله به بررسی آبرو به عنوان یک زمینه فرهنگی وسیع در جامعه ایران پرداخته شد. ابتدا نشان داده شد که چگونه آبرو در سه گرایش مختلف در جامعه ایران به کار گرفته می‌شود و با توجه به تنوع گرایش‌ها ملاحظه شد که چگونه آبرو دربر گیرنده بسیاری از هنجارها، بعضی اخلاقیات و ارزش‌های اجتماعی است. این سه گرایش، با توجه به نوع مصادیق رفتاری در سه مقوله «حفظ آبرو»، «کسب آبرو» و «آبرومندی» گنجانده شد. از آنجا که هر زمینه فرهنگی به معرفت مشترک بین مردم اطلاق می‌شود و معرفت امری انتزاعی است، جهت بررسی و شناسایی آن ضروری است به شرایط اجتماعی که مرکب از اشیا و افراد و حوادث هستند، مراجعه کرد. در مراجعه به شرایط اجتماعی، مصادیق رفتاری لفظی و غیرلفظی هر سه گرایش در شرایط مختلف اجتماعی مشاهده شد. شاید بتوان از دیدگاهی آبرو را در اشکال گوناگون طبقه‌بندی کرد، اما ملاحظه شد که پیوسته آبرو در سه مقوله مهم بسیار متفاوت به کار گرفته می‌شود. شایان ذکر است که افراد در زندگی روزمره از این تفاوت‌ها آگاهی ندارند، اما در عمل طبق آنها رفتار می‌کنند. همان‌طور که مصادیق عنوان شده نمایانگر آن است، می‌توان در تحقیقات آتی روی عناصر خاصی از آبرو یا نمادهای خاصی از آن مطالعه و تاکید کرد.

علاوه بر این، در تجزیه و تحلیل آبرو اهمیت آن از چند لحاظ بحث شد: بررسی مسائل اجتماعی، مطالعه خلیقات مردم و چگونگی تأثیر آن بر روابط اجتماعی. در ضمن تاکید شد که آبرو بنا به طبیعت‌اش امری نسبی است. چنانچه آبرو را بیشتر مطالعه کنیم، ممکن است معیارها و نمادهای مختلفی برای آن در میان اقشار، طبقات، قومیت‌ها و مشاغل مختلف اجتماعی بیابیم، اما مسلم است که همه در اهمیت دادن به آن مشترک هستند و یا اگر آن را قومی در نظر بگیریم، مسلماً در میان قومیت‌های مختلف، معیارهای گوناگونی برای آن یافت خواهد شد. همچنین اثر الگوهای مربوط به آبرو بر روند توسعه نیز ارزیابی شد و با استناد به اظهارات و نظرات اصحاب توسعه نشان داده شد که چگونه با اهمیت بودن آن در جامعه می‌تواند هم مانع فرهنگی در راه توسعه به شمار رود و هم وسیله تسریع‌کننده آن باشد. انجام چنین تحقیقاتی در سطح وسیع‌تر به خویش‌شناسی فرهنگی می‌انجامد که خود می‌تواند در ارزیابی فرهنگ جامعه، تحکیم هویت فرهنگی و رفع موانع توسعه راهگشا باشد، هر چند تحقیقات در چنین زمینه‌هایی ممکن است کاربرد فوری به معنای اخص کلمه نداشته باشد.

آبرو زمینه مهم فرهنگی است که سعی کردیم با چنین برداشتی به آن نگاهی بیفکنیم و همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، آنچه در اینجا آمده، فقط بخش کوچکی از آن است که باید بررسی و مطالعه شود. هنوز بسیاری از حقایق در این زمینه ناگفته مانده است.

منابع

- اسپردلی جیمز پ. و دیوید و. مک کوردی (۱۳۸۶)، *پژوهش فرهنگی؛ مردم‌نگاری در جوامع پیچیده*، ترجمه بیوک محمدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پیتر، برگر؛ بریجت برگر و هانسفرید کلنر (۱۳۸۱)، *ذهن بی‌خانمان*، ترجمه محمد ساوجی، تهران: نی.
- جمالزاده، سید محمدعلی (۱۳۴۵)، *خلقیات ما ایرانیان*، تهران: کتابفروشی فروغی.
- دهخدا، علی‌اکبر، *لغت‌نامه دهخدا*.
- کنت دو گوینو، [بی‌تا]، *سه سال در ایران*، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران: مؤسسه مطبوعاتی فرخی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۹)، *جامعه‌شناسی*، ترجمه حسن چاوشی، تهران: نشر نی.
- محمدی، بیوک (۱۳۸۲)، *زندگی ایرانیان در کانا‌دا*، تهران: واژه‌آرا.
- معین، محمد (۱۳۷۹)، *فرهنگ فارسی*، تهران: انتشارات امیرکبیر.

نراقی، حسن (۱۳۸۵)، *جامعه‌شناسی خودمانی*، تهران: اختران.

- Banuazizi, A. (1977). "Iranian National Character" a Critique of Some Western Perspective; in *Psychological Dimensions of Near Eastern Studies*, Holt and Reinhart, New York.
- Beattie, J. (1964). *Other Cultures*, the Free Press, New York, P. 35.
- McLelland, D.(1969). *Motivating Economic Achievement*. The Free Press, New York.
- Hagen. E. (1962). *On the Theory of Social Change*. Dorsey Press, Home Wood Ill. 1962, P. 97.
- Geiger, T. (1967) *The Conflicted Relationship: The west and the transformation of Asia, Africa and Latin America*, New York: Mac Graw-Hill Book Co.
- Foster, G. M. (1973). *Traditional Societies and Technological Change*. (2nd ed.) Harper and Row Publishers. New York, PP. 82- 104.
- Graham, R. (1979). *Iran: The Illusion of Power*, New York : St. Martin's Press.
- Hoenselaars Ton and Joep Leersser, (2009). 'Rehtoric of Nationa Character" European Jounal of English Studies, v.13 no. 3, Dec.2009, pp251-255.
- Robertson, I. 1980.*Social Problems*. Random House, New York, 1980, P.4.
- Jacobs, Norman. (1966). *The Sociology of Development: Iran as Asian Case Study*, New York: Frederick A. Prager Publishers.
- Kottak, Phillip Conrad, *Mirror for Humanity*, New York: McGraw-Hill.
- Kuper Adam & Jessica Kuper. (1985). *The Social Science Encyclopedia*, London: Routledge.
- Linton, R. (1945). *The Cultural Background of Personality*. New York: Appleton-Century.
- Mason, J. (1997). *Qualitative Researching*. London: Sage Publication.
- Macionis, J.; Clark, J. and Gerber, L. (1994). *Sociology*, Ontario: Prentice Hall.
- Paul Horton, and Chester L. Hunt. (1984). *Sociology*. Mc Graw. Hill, New York, 1984, P. 63
- Pearson, Roger. (1974). *Introduction to Anthropology*. Holt, Rinehart and Winston, Inc. New York.
- Ruth Benedict. (1946). *The Chrysanthemum and the Sword*. Haughton Miffin New York, 1946, P. 161
- Robertson, Ian. 1981. *Sociology*. Worth Publishing Inc. New York, Social Control", *A Modern Dictionary of Sociology*, op. cit. p.389
- Theodorson, George A. & A. G Theodorson (1989). *A Modern Dictionary of Sociology*, Methuen.
- William Graham Sumner. 1906. *Folkways*. Ginn and Company, Boston.